

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: بابک آزاد

۲۴ جنوری ۲۰۱۶

توضیح:

کنفرانس تغییرات آب و هوایی پاریس در روز ۱۱ دسمبر ۲۰۱۵ (۲۰ آذر/قوس ۱۳۹۴) با صدور پیش نویس قطعنامه ای برای جلوگیری از گرمایش خطرناک هوا و تغییرات زیست محیطی ناشی از آن پایان یافت. به اساس گزارشاتی که از تصمیمات این کنفرانس تا کنون منتشر شده است ظاهراً تمامی کشورهای شرکت کننده، در حرف بر امر مبارزه با تخریب محیط زیست به توافق رسیدند. اما در این قطعنامه و قطعنامه های مشابه پیشین در مورد جلوگیری از تخریب بیشتر محیط زیست هیچ گونه توجه واقعی و جدی به نقش سیستم حاکم یعنی نظام سرمایه داری در این تخریب و چگونگی برخورد با دولت هایی که به تعهدات پذیرفته شده عمل نمی کنند، نشد. با توجه به این واقعیات لازم دیدیم که مقاله "بورژوازی و تخریب محیط زیست" که قبلاً در پیام فدائی شماره ۷ - دور جدید - به تاریخ دی ماه [جدی] ۷۴ منتشر شده بود را در این جا باز تکثیر کنیم. این مقاله با ارائه اسناد و شواهد موجود کوشیده است در جهت شناساندن ریشه واقعی تغییرات مخرب محیط زیست، که جهان امروز را تهدید کرده و می کند مسابلی را با خواننده در میان بگذارد.

پولاد

بورژوازی و تخریب محیط زیست

در سال های اخیر در همه جا از این امر که پیشرفت صنعت و تکنولوژی باعث نابودی منابع طبیعی و تخریب محیط زیست گشته صحبت می شود و ضرورت حفاظت از منابع حیاتی کره زمین با شدت مورد تأکید قرار می گیرد. مسلماً تا آن جا که تحقیقات علمی بیانگرند، تخریب محیط زیست واقعیتی است که در حال حاضر نیز زندگی میلیون ها انسان تأثیر منفی خود را به جای گذاشته و باعث مخاطرات زیادی گشته است ولی آن چه در بحث و جدل های مربوط به محیط زیست معمولاً به آن پرداخته نمی شود همانا این امر است که به راستی مسئولیت اصلی در تخریب محیط زیست به عهده کیست؟ آیا رشد تکنولوژی را می توان به خودی خود عامل این امر قلمداد نمود؟ البته در این جا و آن جا شنیده می شود که گاه این یا آن کمپانی و حتی بعضی رژیم های سیاسی مقصر معرفی می شوند ولی به ندرت دیده شده است که سیستم سرمایه داری و یا بورژوازی در کل به مثابه عامل اصلی در از بین بردن منابع حیاتی کره زمین مورد حمله قرار گیرند. دلیل این امر نیز البته روشن است. در جهت انحراف اذهان از مبارزه طبقاتی و هم چنین در رابطه

با تضاد بین جناح های مختلف امپریالیستی^(۱) این عمدتاً نیروهای وابسته به بورژوازی بوده‌اند که مسأله محیط زیست را با برجستگی مطرح نموده‌اند و بالنتیجه تعجب آور نیست که آن ها هر عامل دیگری جز بورژوازی را مسبب تخریب محیط زیست قلمداد نمایند. به واقع باید گفت مسأله چرائی تخریب محیط زیست و چگونگی حفاظت از آن هم چون هر مسأله دیگری نمی تواند با پاسخ های گوناگون طبقات و نیروهای سیاسی مختلف مواجه نگردد^(۲).

برای این که به شناخت واقعی از مسببین اصلی تخریب محیط زیست دست یافت ، لازم است ابتداء به برخی از زمینه‌های این موضوع اشاره کنیم.

از جمله مسائلی که در رابطه با تخریب محیط زیست مورد توجه قرار دارند می توان به افزایش گاز کربنیک موجود در جو زمین اشاره نمود که خطرات ناشی از آن برای زندگی بشر به طرق مختلف مورد تأکید قرار گرفته است.

طبق تحقیقات انجام شده حجم گاز کربنیک در جو زمین در طول یک قرن اخیر ۲۵ درصد افزایش یافته و هم اکنون با روند پنج صدم درصد در سال در حال افزایش است. چنین حجمی از گاز کربنیک نه تنها آلودگی هوا را سبب گشته بلکه باعث گرم شدن جو زمین نیز شده است. این مورد اخیر به نوبه خود ذوب یخ های قطبی و بالطبع بالا آمدن سطح آب بحر ها را به دنبال آورده است. واضح است که بالا آمدن سطح آب بحر ها در روند خود، بسیاری از جزایر و مناطق ساحلی را در معرض فرو رفتن در آب قرار داده و به این ترتیب زندگی میلیون ها انسان را با خطری جدی مواجه خواهد ساخت.

گزارشات سازمان ملل در رابطه با آلودگی محیط زیست بیانگر این واقعیت است که دو سوم گاز کربنیک تولید شده در جهان حاصل استفاده امریکا و بقیه کشورهای بزرگ صنعتی از سوخت های فسیلی (نفت، بنزین و ...) است. و به طور کلی سالانه میلیاردها تن گاز کربنیک به دلیل استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی که برای راه اندازی صنایع، حمل و نقل و یا تولید حرارت اماکن مسکونی به کار می رود، وارد جو زمین می گردد.

مسلماً اگر بحث در همین جا خاتمه یابد - کاری که بسیاری از مدافعان حفاظت از محیط زیست انجام می دهند - باید با قائل شدن تضادی آنتاگونیستی بین برخورداری بشر از مزایای رشد تکنولوژی و صنعت و سلامت محیط زیست یکی را انتخاب نمود و به هر حال اولی را عامل تخریب دومی به حساب آورد. بر این مبناست که بسیاری اشک تماشای ریزان بر محیط زیست و تأکید بر حفظ منابع حیاتی کره زمین، یا اساساً به انکار ضرورت رشد تکنیک و صنعت می پردازند و یا در حالی که ریاکارانه همه خطرات را ناشی از "عصر صنعت و تکنولوژی" قلمداد می کنند از "نظارت و کنترل و مهار" تخریب محیط زیست دم می زنند^(۳).

واقعیت این است که بین رشد تکنولوژی و صنعت و تخریب محیط زیست به خودی خود یک رابطه مستقیم وجود ندارد بلکه در این جا چگونگی استفاده از تکنولوژی و راه‌های مقابله با عوارض جانبی به کارگیری یک صنعت و تکنیک است که مسأله تخریب محیط زیست را در بعدی که مورد بحث می باشد، مطرح ساخته است. یادآوری واقعیت برجسته‌ای در این رابطه به روشن شدن موضوع کمک می کند. بر کسی پوشیده نیست که با پیشرفت تکنیک و در نتیجه کشف نیروی اتم امکانات بزرگی در جهت رفاه انسان در مقابل بشر قرار گرفت در حالی که همین اتم به وسیله بورژوازی به بمب هائی تبدیل گردید که در جاپان به قیمت جان هزاران انسان تمام شد.

بنابر این همواره باید بین تکنولوژی و صنعت و آن شیوه تولیدی که این تکنولوژی در چهارچوب آن به کار گرفته شده و در نتیجه چگونگی استفاده از آن را تعیین می کند ، تفاوت قائل گردید. برای مثال اگر قرار باشد از افزایش گاز کربنیک که همان طور که ذکر شد یکی از عوامل تخریب محیط زیست می باشد، جلوگیری شود می توان در جهت جایگزین کردن سوخت های دیگری که آلودگی کمتری ایجاد می کنند اقداماتی جدی را سازمان داد و یا صنایع را به استفاده از

فیلترهای جلوگیری از آلودگی هوا مجبور نمود. هم چنین با توجه به این که یکی از حوزه‌های مصرف سوخت‌های فسیلی حمل و نقل می باشد، می توان با ارزان نمودن و گسترش شبکه حمل و نقل عمومی از افزایش تعداد ماشین‌های شخصی و استفاده از آن ها برای تمام نقاط شهر به طور دائم جلوگیری نمود و یا استفاده از بنزین‌هایی که آلودگی بیشتری ایجاد می کنند را متوقف کرده و تولید و استفاده از اتومبیل های گازسوز را به طور جدی تشویق نمود و ده ها راه حل دیگر. اما روشن است که چنین اقداماتی با منافع بخش های بزرگی از بورژوازی در تعارض قرار گرفته و فعالیت آن ها را با خطر نابودی مواجه می سازد و به همین اعتبار هم صاحبان سرمایه شدیداً با چنین اقداماتی مخالفت کرده و از تحقق هر اقدام دیگری که منافع آن ها را به خطر اندازد، جلوگیری می نمایند.

اساساً در جامعه سرمایه‌داری تولید برای کسب سود است و این قانون خدشه ناپذیر نظام سرمایه‌داری می باشد و به همین دلیل هم سرمایه‌داران برای کسب سود هرچه بیشتر، از جمله همواره می کوشند به اشکال مختلف هزینه تولید را پائین بیاورند. در نتیجه مسلم است که آن ها نمی توانند با روش هایی که هزینه تولیدشان را افزایش می دهد موافقتی نشان دهند. هم از این رو از آن جا که هرگونه اقدامی برای حفاظت از محیط زیست (برای نمونه پائین آوردن حجم گاز کربنیک موجود) مستلزم چشم پوشی بورژوازی از بخشی از منافع خود می باشد بنابراین، امر حفاظت از محیط زیست با منافع بورژوازی در تناقض قرار دارد و به همین دلیل هم - در رابطه با مثالی که در اینجا ذکر شد - کشورهای بزرگ صنعتی که مصرف کنندگان اصلی سوخت‌های فسیلی می باشند به خاطر مصالح اقتصادی خود نه تنها به هیچ وجه حاضر به کاهش مصرف چنین سوخت هایی و یا تلاشی جدی برای جایگزین نمودن آن ها با سوخت‌های دیگری که خطر کمتری برای محیط زیست دارد، نمی باشند بلکه هر روز که می گذرد حجم بیشتری از سوخت فسیلی مصرفی در جهان به این کشورها تعلق می گیرد. برای نمونه تنها در سال ۱۹۸۹ هفت کشور بزرگ صنعتی^(۴) ۴۳ درصد سوخت فسیلی جهان را مصرف کرده‌اند و تولیدکنندگان اصلی گاز کربنیک در جهان بوده‌اند.

جای تردید نیست که در جامعه‌ای که تولید خلاف قانون جامعه سرمایه‌داری نه به خاطر سود اقلیتی استثمارگر بلکه به خاطر رفع نیازمندی های بشر سازمان یابد و سلامت جامعه و منافع انسان ها در صدر فعالیت تولیدی قرار گیرد تولیدکنندگان در شرایطی قرار می گیرند که می تواند نه تنها عوارض ناشی از به کارگیری تکنیک را به حداقل برسانند بلکه با استفاده از استعداد میلیون ها انسانی که در سیستم اقتصادی اجتماعی سرمایه‌داری منکوب گشته‌اند امکان می یابند بزرگترین نوآوری ها و اختراعات را به ثبت برسانند. درهم شکستن شیوه تولید سرمایه‌داری که مدت هاست به مانعی در راه رشد نیروهای مولده جوامع بشری تبدیل گشته است آن چنان انقلابی در تکنولوژی به بار می آورد که بشر را قادر می سازد نه تنها از سرچشمه‌های نعم مادی به وفور سود جوید بلکه به عالی‌ترین شکلی به حفاظت از محیط زیست که به دلیل آزمندی های بورژوازی چنین در معرض نابودی قرار گرفته است، بپردازد.

البته استفاده بی‌رویه از سوخت های فسیلی که باعث افزایش گاز کربنیک در جو زمین می گردد تنها یک نمونه از برخورد بورژوازی را به این امر بیان می کند؛ می توان ده ها نمونه دیگر را ذکر کرد مثلاً می توان به تخلیه ضایعات کمپانی در آب بحر ها اشاره کرد که به گزارش سازمان ملل سالانه ۳۳۸ میلیون تن ضایعات کیمیائی در محیط زیست تخلیه می شود که ۲۷۵ میلیون تن آن متعلق به امریکا می باشد. امری که با وضوح تمام بر نقش بزرگ امپریالیسم امریکا در آلوده سازی محیط زیست تأکید می نماید. بر اساس همین گزارش تنها در سال ۱۹۸۵ بیش از ۳/۲ میلیون تن نفت خام وارد آب های دریاها شده که به روند آلودگی بحر ها ابعاد هرچه بیشتری بخشیده است و این در حالی است که هر سال ۶/۵ میلیون تن فضولات و ترکیبات سمی وارد آب های ابحار می شود که بخش بزرگی از آن پساب صنایع کشور های بزرگ صنعتی می باشد.

برای فریب توده‌ها و کتمان دستان جنایتکار بورژوازی در ایجاد مصائب ناشی از تخریب محیط زیست برای بشریت، هر از چند گاهی اقدام به تشکیل کنفرانس‌های بین المللی می‌شود که البته مصوبات این کنفرانس‌ها فاقد هرگونه ضمانت اجرایی است. در این کنفرانس‌ها نمایندگان بورژوازی در حالی که از خطرات نابودی محیط زیست دم می‌زنند ظاهراً برای مقابله با این خطر به چاره جوئی می‌پردازند! تنها نگاهی به دست آوردهای یکی از این کنفرانس‌ها کافیهست تا نشان دهد که علی‌رغم جار و جنجال و تبلیغات در رابطه با کوشش در حفظ محیط زیست هیچ اقدام عملی واقعاً مؤثر در این زمینه به عمل نمی‌آید.

از ۲۸ مارچ تا ۷ اپریل سال گذشته (۱۹۹۵) شهر برلین شاهد برگزاری **کنفرانس جهانی جو** بود، یکی از مسایل مهم در دستور جلسه این کنفرانس بررسی مصوبات کنفرانس سال ۱۹۹۲ در **ریو دوژانیرو** بود که در آن تصمیم گرفته شده بود میزان گاز کربنیک در هوا را تا سال ۲۰۰۰ به سطح سال ۱۹۹۰ برسانند. اما حاصل این بررسی تنها نشان دهنده آن بود که با روند موجود نه تنها میزان گاز کربنیک به سطح سال ۱۹۹۰ نخواهد رسید بلکه به طور روزافزون افزایش نیز یافته است. دلیل این امر نیز عدم اقدام کشورهای گوناگون نسبت به تعهداتی بود که قبلاً پذیرفته بودند. همین واقعیت یک بار دیگر ثابت می‌کند که تا سیستم اقتصادی - سیاسی سرمایه‌داری در جهان حاکم است از چنین کنفرانس‌هایی چیزی بیشتر از آن که تا کنون به دست آمده حاصل نخواهد شد. آن‌هایی که به چنین کنفرانس‌ها و چنین راه‌های حلی دلخوش می‌کنند، جز نیروهای رفرمیست و سازشکار نمی‌باشند. همین‌ها هستند که با طرح این موضوع که خطر تخریب محیط زیست برای هر انسانی جدا از تعلقات طبقاتی‌اش یکسان می‌باشد، به اهمیت "فراطبقاتی" حفاظت از محیط زیست تأکید نموده و بر این اساس تلاش می‌کنند تا مبارزه برای حفاظت از محیط زیست را به میرم‌ترین مسأله جامعه کنونی تبدیل نموده و به این وسیله مبارزه طبقاتی را کمرنگ سازند. اینان حتی اگر ایراد و انتقادی به این یا آن کمپانی بورژوائی در رابطه با عدم رعایت مسایل مربوط به حفظ محیط زیست وارد نمایند، هرگز کل سیستم سرمایه‌داری که رفتار و اعمال کمپانی‌های بورژوائی در چهارچوب آن عملی می‌گردد را آماج اصلی حمله خود قرار نمی‌دهند در حالی که بورژوازی نه فقط در قالب کمپانی‌ها و در حوزه اقتصاد بلکه به مثابه الزامات حفظ نظام سرمایه‌داری در حوزه سیاسی نیز به اقداماتی متوسل شده و می‌شود که حاصل آن‌ها علاوه بر مصائب معینی برای توده‌ها، تخریب محیط زیست نیز بوده است. به دو جنگ بزرگ جهانی و صدها جنگ دیگری که در این قرن به وسیله بورژوازی امپریالیستی و به وسیله دولت‌های حافظ منافع آن، صرفاً در جهت منافع این طبقه سازمان داده شده است نگاه کنید و عوارض دهشتناک آن‌ها را در کشتار انسان‌ها و تخریب طبیعت به خاطر آورید. از بمباران اتومی هیروشیما و ناکازاکی تا بمباران‌های وحشیانه ویتنام، از آتش زدن میلیون‌ها بشکه نفت در جنگ خلیج فارس تا دفن تفاله‌های اتومی و کیمیائی در بیابان‌ها و سواحل کشورهای تحت سلطه، خلاصه به هر حوزه‌ای که نظر بیندازید چهره ددمنش بورژوازی را به عنوان مسبب اصلی تمامی فجایع این قرن و از جمله تخریب محیط زیست به عینه مشاهده خواهید کرد.

از کشتارگاه‌های هیتلر تا بمب‌های کیمیائی در جریان جنگ ایران و عراق و از مرگ سالانه حداقل ۱۷ میلیون انسان تنها در کشورهای تحت سلطه به دلیل بیماری‌های عفونی ناشی از آلودگی محیط زیست تا مرگ ۱۳/۵ میلیون کودک در "کشورهای در حال رشد" به دلیل نبود واکسن و بهداشت لازم و سوء تغذیه خلاصه در همه جا چهره واقعی بورژوازی را می‌توان دید که ارزشی برای جان انسان‌ها قایل نیست تا دل مشغول حفظ محیط زیست باشد.

بنابراین از آن‌جا که مسبب اصلی تخریب محیط زیست آزمندی بورژوازی زالو صفت می‌باشد روشن است که هرگونه اقدامی برای مقابله جدی با خطراتی که تخریب محیط زیست برای بشریت در بردارد با مخالفت بورژواها مواجه خواهد

شد به همین دلیل هم امر جلوگیری از تخریب محیط زیست در چهارچوب نظام موجود پاسخ قطعی نداشته و این مسأله به امر نابودی کل نظام انگلی سرمایه‌داری گره خورده و تنها با نابودی بورژوازی و استقرار نظامی نوین که در آن مسأله سعادت انسان در صدر اهداف جامعه قرار دارد، امر حفاظت از محیط زیست نیز به طور وسیع و واقعی امکان پذیر می‌گردد.

دی[جدی] ۱۳۷۴

زیر نویس ها:

- ۱- در این رابطه مشخصاً باید به تضادهای بین جناح های بورژوازی که عمدتاً انحصار نفت را در دست دارند با جناح هایی که سرمایه‌های آن ها بیشتر در حوزه انرژی اتمی متمرکز است اشاره کرد که هر یک طرف مقابل را مسؤول آلودگی محیط زیست معرفی کرده و در جهت اعمال محدودیت بر فعالیت های طرف مقابل تلاش می‌ورزند.
- ۲- ولی آن چه اساسی است کوشش در شناخت درست موضوع و پشتیبانی از راه های حلی است که نفع اکثریت توده‌ها را منعکس می‌نماید، در این مقاله کوشش می‌شود مسأله از این بعد مورد برخورد قرار گیرد.
- ۳- اشاره به "بدیع گوئی" های رفسنجانی که چندی پیش در رابطه با مسأله تخریب محیط زیست گفت: در شرایطی که تخریب محیط زیست و نابودی ساختن منابع طبیعی یکی از ستم های بزرگ عصر صنعت و تکنولوژی به بشریت است موضوع نظارت، کنترل و مهار این خطر روزافزون بیشتر اهمیت می‌یابد.
- ۴- این هفت کشور عبارتند از ایالات متحده امریکا، آلمان، جاپان، انگلستان، فرانسه، کانادا و ایتالیا.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۹۸ ، آذر ماه[قوس] ۱۳۹۴